



The role of Ganjali Khan endowments in promoting the social welfare of Kerman's citizens with a poverty reduction approach

Hezarjaribi, J^a., Ghorbanizadeh, V., Karami Ghahi, M.T^c., Iranmanesh, M.A^{d,1}

^a Professor of Sociology and Professor of Cooperatives and Social Welfare, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

^b Associate Professor of Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

^c Associate Professor of Philosophy, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

^d PhD Student in Social Welfare, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Research Article

ABSTRACT

Objective: Social welfare is considered a part of human life and culture and the development of humanitarian theories with emphasis on the responsibility of all towards each other as well as the development of social and biological sciences has been effective in the emergence of new attitudes about social welfare and poverty reduction. The purpose of this study is to investigate the role of Ganjali Khan endowments in the social welfare of Kerman citizens with a poverty reduction approach.

Methods: The study was all citizens over 18 years of age in Kerman. Based on this, using Cochran's formula, 384 people were selected as the sample size (this number was increased to 400, and finally 390 were used in the final analysis). Sampling was performed based on multi-stage clusters between regions, blocks and finally Kerman households. Data collection tool was a researcher-made questionnaire (based on themes taken from the qualitative part). Descriptive statistics such as mean and frequency percentage were used to describe the main variables of the research and Pearson correlation coefficient and multivariate regression and confirmatory factor analysis were used to examine the relationships between variables. Data were analyzed using Spss and Amos software.

Results: The results of multivariate regression test showed that 0.410 of citizens' social welfare can be explained based on endowment management, which will result in poverty reduction. Regarding the value of standard beta coefficients of each variable, the coefficient of priority goes back to the needs, which is 0.452. The lowest value is related to the organizational innovation variable which is 0.004. This value is 0.338 for management variability, 0.423 for specialized knowledge, 0.431 for understanding endowments and finally 0.327 for organizational capability.

Conclusion: The results of this study show that Ganjali Khan endowments have an important role in the objective and psychological well-being of Kermani citizens and have an important role in reducing poverty. The well-being of citizens and the consequent reduction of poverty can be very important.

Keywords: Social welfare, objective welfare, mental welfare, endowment, Ganjali Khan collection.

Received: July 27, 2020

Reviewed: November 07, 2020

Accepted: November 25, 2020

Published Online: March 21, 2021

Citation: Hezar Jaribi, J., Ghorbanizadeh, V., Karami Ghahi, M.T., Iranmanesh, M.A (2021). *The role of Ganjali Khan endowments in promoting the social welfare of Kerman's citizens with a poverty reduction approach*. Journal of Urban Social Geography, 8(1), 89-112. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2034](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2034)

¹ Corresponding author at: Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, P.C: 1489684511. E-mail address: Iraniali15@yahoo.com (Iranmanesh, M.A).



نقش موقوفات گنجعلی‌خان در ارتقای رفاه اجتماعی شهروندان کرمانی با رویکرد کاهش فقر

جعفر هزارجریبی^ا، وجه‌الله قربانی‌زاده^ب، محمدتقی کریمی‌قهی^ج، محمدعلی ایرانمنش^د^۱

^ا استاد جامعه‌شناسی و استاد گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^ب دانشیار مدیریت دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^ج دانشیار فلسفه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^د دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقاله پژوهشی

چکیده

تبیین موضوع: رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسانی تلقی می‌شود و گسترش نظریه‌های انسان‌دوستی با تأکید بر مسؤلیت همگان نسبت به یکدیگر و همچنین پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی در پیدایش نگرش‌های جدید در خصوص رفاه اجتماعی و کاهش فقر مؤثر بوده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش موقوفات گنجعلی‌خان در رفاه اجتماعی شهروندان کرمانی با رویکرد کاهش فقر است.

روش: جامعه آماری مطالعه حاضر، کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان بودند. بر این اساس، با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند (این تعداد را به ۴۰۰ مورد افزایش داده شد که در نهایت ۳۹۰ مورد در تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفتند). نمونه‌گیری بر اساس خوشه‌ای چندمرحله‌ای در بین مناطق، بلوک‌ها و در نهایت خانوارهای کرمانی انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته (بر اساس مضامین برگرفته از قسمت کیفی) بود. از روش آمار توصیفی مانند میانگین و درصد فراوانی برای توصیف متغیرهای اصلی تحقیق و از روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره و تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی روابط بین متغیرها استفاده شد، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss و Amos تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره نشان داد که رفاه اجتماعی شهروندان بر اساس مدیریت موقوفات با مقدار ۰/۴۱۰ قابل تبیین است که نتیجه آن کاهش فقر خواهد بود. در خصوص مقدار ضرایب بتای استاندارد هر یک از متغیرها نیز بیشتر ضریب به اولویت‌بخشی به نیازها برمی‌گردد که ۰/۴۵۲ است. کمترین مقدار به متغیر نوآوری سازمانی مربوط می‌شود که ۰/۴ است. این مقدار برای متغیر قابلیت مدیریتی ۰/۳۳۸، دانش تخصصی ۰/۴۲۳، درک از موقوفات ۰/۴۳۱ و در نهایت برای قابلیت سازمانی ۰/۳۲۷ است.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد موقوفات گنجعلی‌خان نقش مهمی را در رفاه عینی و ذهنی شهروندان کرمانی ایفا می‌نمایند و در کاهش فقر نقش به‌سزایی بر عهده دارند لذا مدیریت منابع وقفی در زمان تحریم و شرایط اقتصادی موجود اگر به‌صورت بهینه انجام گیرد به رفاه شهروندان و در نتیجه کاهش فقر می‌تواند کمک بسیار مهمی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: رفاه اجتماعی، رفاه عینی، رفاه ذهنی، وقف، مجموعه گنجعلی‌خان.

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱
استناد: هزارجریبی، جعفر؛ قربانی‌زاده، وجه‌الله؛ کریمی‌قهی، محمدتقی؛ ایرانمنش، محمدعلی (۱۴۰۰). نقش موقوفات گنجعلی‌خان در ارتقای رفاه اجتماعی شهروندان کرمانی با رویکرد کاهش فقر. دوفصلنامه جغرافیای شهری، ۸ (۱)، ۸۹-۱۱۲.
DOI: [10.22103/JUSG.2021.2034](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2034)

مقدمه

رفاه اجتماعی مفهومی غامض و چندبعدی است و ابعاد و شاخص‌های مختلفی بر آن مترتب هست. رفاه اجتماعی بسته به شرایط و سنت‌های تاریخی بار معنای خاصی به خود می‌گیرد. به‌طور سنتی رفاه به معنای «حمایتی است که جامعه برای اعضاء خود از طریق اقدامات مؤثر در برابر فشارهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از بیماری، جراحات کار، بیکاری، اعتیاد، سالمندی و مرگ فراهم می‌سازد» (Prabuha & Lyer, 2001: 31). کاسکه (Kaske, 2005) اظهار می‌کند، «مفهوم رفاه اجتماعی بر این مبنا قرار دارد که افراد در معرض خطرات غیرقابل‌اجتنابی قرار دارند؛ بنابراین، به‌منظور رفع نیازها و تشخیص پتانسیل افراد، باید خطرات بین آن‌ها تقسیم شود. تقسیم خطرات به این معنا است که هیچ فردی نباید به‌تنهایی باریک خطر را بر دوش بکشد. در عوض، باید بین همه‌کسانی که تحت پوشش برنامه رفاه اجتماعی هستند، تقسیم شود. از طرف دیگر، مفهوم ادغام منابع نیز مطرح می‌شود. ادغام منابع اطمینان از این است که هرکسی که تحت پوشش یک برنامه رفاهی قرار دارد، قادر است از همه قسمت‌های برنامه سود و بهره ببرد. مجدداً این امر بر این مبنا است که یک فرد قادر نیست منابع موردنیاز برای رفع احتیاجات که ناشی از در معرض خطرات احتمالی قرار گرفتن است را بسیج کند و به کمک‌های خارجی نیاز دارد. در ادامه، استدلال می‌کند: رفاه اجتماعی حمایتی است که جامعه برای اعضاء خود از طریق مجموعه‌ای از اقدامات عمومی ارائه می‌دهد: ارائه خدمات مراقبت‌های سلامت برای افراد و ارائه مزایایی برای خانواده‌های دارای فرزند است». وجود رفاه اجتماعی در هر جامعه‌ای مهم‌ترین شاخص برای توسعه‌یافتگی آن جامعه و در عین حال بازتولیدکننده توسعه در آن جامعه هست (هزارجریبی و صفری‌شالی، ۱۳۹۱: ۲۸).

رفاه اجتماعی به‌نوعی بهداشت روانی، فردی و اجتماعی گفته می‌شود که در صورت تحقق آن شهروندان دارای انگیزه و روحیه شاد بوده و درنهایت، جامعه شاداب و سلامت خواهد بود. درواقع، زندگی سالم محصول تعامل اجتماعی بین انتخاب‌های فردی از یک‌سو و محیط اجتماعی و اقتصادی احاطه‌کننده افراد از سوی دیگر هست. مفهوم رفاه اجتماعی را می‌توان در سطح افراد، خانواده‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها، اجتماعات محلی و به‌طورکلی جامعه در نظر گرفت. این مفهوم همچنین می‌تواند دربرگیرنده گروهی از کشورها، مناطق بین‌المللی و یا جهان به‌طورکلی باشد (سام آرام و محبوبی، ۱۳۹۳: ۱۲). اهمیت و ضرورت مطالعه وقف و نقش آن در پیشبرد رفاه اجتماعی زمانی محرزتر می‌شود که بدانیم، امروزه دولت و بازار درروند توسعه، هم از حیث نظری و هم از حیث کاربست در بحران هستند و وقف به‌مثابه یک شیوه زیست اجتماعی، یک شیوه ارتقای رفاه اجتماعی به‌صورت غیررسمی و خیرخواهانه و هم یک شیوه تولید ثروت و باز توزیع منابع مادی، از آبخوری تغذیه می‌کند که می‌توان در کاهش و حتی برطرف کردن فقر و افزایش رفاه متمرکز شد؛ بنابراین مشاهده می‌شود که وقف با سایر تلاش‌های رفاهی متفاوت هست. به این جهت که موقوفات دارای اثر طولانی می‌باشند و می‌تواند اثر رفاهی آن‌ها تا سال‌های سال در بین اقشار مختلف مردم بماند و یک میراث جاویدان بر جای بگذارد. تأثیر مثبت وقف فقط منوط به دوران گذشته نمی‌شود، بلکه در دوران مدرن امروزی که شاهد شکل‌گیری روزافزون تفکر توسعه پایدار در تمامی زمینه‌ها به‌خصوص توسعه پایدار شهری هستیم فرهنگ وقف با توجه به تأثیری که در ماندگاری و پایایی توسعه اقتصادی دارا هست می‌تواند به‌عنوان عاملی چاره‌گشا در نظام دینی ایران با توجه به مؤلفه‌های خود مؤثر واقع شود (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۸). با توجه به نقش، آثار و پیامدهای وقف در ادوار گوناگون ملل اسلامی، تبیین ماهیت و پیامدهای رفاهی آن گاهی در جهت تحقق اهداف عدالت اجتماعی و رسیدن به یک جامعه مطلوب و عاری از نابرابری و فقر است. افزون بر این، تحلیل پیامدهای مدیریت رفاهی موقوفات باعث توجه متولیان امر توسعه و رفاه اجتماعی و سیاست‌گذاران به نقش مهم این سنت نیکو در ایجاد سیاست‌های اجتماعی معطوف به فرهنگ و جامعه اسلامی خواهد شد و اهمیت و جایگاه سنت‌های ارزشمند اسلامی را در اقتصاد و جامعه کنونی آشکارتر خواهد کرد. افزون بر این، وقف را باید از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزء مظاهر خاص پیشرفت و رفاه

جامعه بدانیم. طبق موازین دینی، به کمک وقف معمولاً ثروت‌ها بعد از چند سالی از خانواده‌ای به خانواده دیگر و از طبقه‌ای به طبقه دیگر انتقال می‌یابد و نوعی تعدیل و تقسیم ثروت پیش می‌آید. این امر در حقیقت نوعی بیمه اجتماعی است. فقرزدایی یکی دیگر از اهداف مهم وقف است. نتیجه طبیعی وقف را می‌توان در سه فرآیند ذکر کرد؛ تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری جامعه که همه این‌ها در اصل زیربنای عدالت اجتماعی و اقتصادی جامعه هستند. وقف آثار و برکات بسیاری دارد، ولی به‌طور کلی دارای دو اثر درونی و بیرونی است. اثر درونی متوجه شخص واقف است که با این عمل به تزکیه نفس خویش پرداخته و روحیه دنیاطلبی و مال‌اندوزی را از خود دور کرده است و اثر بیرونی آن در جامعه نمود پیدا می‌کند که می‌تواند در محور فقر و محرومیت و فاصله شدید طبقاتی تأثیر بسزایی بگذارد. این اثر بیرونی چنان نقش مهمی ایفا می‌کند که حتی در اداره یک جامعه می‌توان از آن کمک گرفت. از این‌رو، همان‌گونه که در بیان مسئله اشاره شد، با توجه به بحران دولت‌ها و بازار در تأمین رفاه اجتماعی، توجه به ظرفیت‌های وقف و اوقاف اهمیت و ضرورت مضاعفی دارد (قنبری‌نیک، ۱۳۸۸)

مدیریت مناسب موقوفات می‌تواند به بهبود رفاه اجتماعی و کاهش فقر شهروندان کمک کند. در واقع، نکته مهم ساختار مدیریت منابع موقوفات است که این نوع ساختار در مدیریت منابع مالی یکی از بهترین ساختارهای مالی بوده که یک پروژه منبع تأمین مالی برای خود و سایر منابع می‌گردد تا سایر منابع وارد عرصه گردند (ریاحی، ۱۳۸۷: ۳۷۱)، زیرا همان‌گونه که اشاره شد ترکیبی از الگوی سنتی، مدرن، خصوصی و عمومی را در برمی‌گیرد و از این حیث نقش موقوفات گنجعلی‌خان در رفاه اجتماعی ساکنان شهر کرمان مورد توجه است. در موقوفات گنجعلی‌خان الگوی منابع مالی به شکل بسیار پیشرفته و قابل تأملی برنامه‌ریزی و اجرا شده است (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۸۰: ۷۲). به این شکل که حاکم وقت (گنجعلی‌خان) با استفاده از اختیارات خود و امکانات موجود که بر اساس مدیریت موضوع و با توجه به شرایط حاکم بر جامعه زمان خود و نقش آب و هوای منطقه و اقلیم با احداث و احیای سه فقره قنات، آب این قنات را جهت رفاه مردم وقف نموده است که بخشی از آب قنات‌ها جهت آبیاری مزارع کشاورزی و باغات چه از نوع وقفی و غیر وقفی بوده است که این خود نیز تضمینی برای حفظ و حتی توسعه زمین‌های اقتصادی آن زمان (بازار، کاروانسرا، مسجد و مدرسه) کرمان بوده است و بخشی نیز جهت مصارف عمومی مردم در طول مسیر و منازل و همچنین مصارف مختلف در حمام، کاروانسرا و... جهت انجام امور جاری مربوط به آن‌ها می‌شده و مازاد این آب به جهت کسب درآمد فروخته شده و از درآمد حاصله به‌عنوان منبع مالی لازم همان‌طور که در متن وقف نامه عنوان گردیده در درجه اول جهت توسعه، احیاء، تعمیر، ساخت و نگهداری خود قنات استفاده شده و سپس در صورت وجود درآمد بیشتر در مرتبه بعدی صرف سایر موارد که در متن وقف‌نامه بدان اشاره شده، می‌رسیده است. در طول سالیان متمادی با ساخت و تکمیل هریک از فقرات مجموعه (بازار، کاروانسرا، مسجد، مدرسه، آب انبار، دکاکین و...) این ابنیه و موقوفات خود ایجاد درآمد کرده و محل منبع مالی شده است که درآمد آن‌ها نیز جهت توسعه و حفظ خود مجموعه استفاده گردید (ریاحی، ۱۳۸۷: ۳۷۱). در واقع، منابع مادی (فیزیکی) و منابع انسانی حاصل از موقوفات در یک چرخه رشد یابنده و پایدار در خدمت منافع عمومی است که در طی سال‌ها یکی از علل مستقیم رشد اقتصادی، انباشت مهارت‌های فنی، حرفه‌ای و علمی شهر کرمان بوده است. دو نمونه بارز این مجموعه را می‌توان یکی را در بعد آموزش مشتمل بر مسجد، مدرسه و حوزه علمیه بیان نمود که باعث رونق یافتن آموزش علوم حوزوی و دینی باتربیت افراد از بعد معنوی و همچنین علوم روز نسبت به آموزش و کسب حرف و مشاغل مورد نیاز جامعه هست. و نمونه دیگر بازار که این اماکن به دلیل هم‌جواری با بازار، علاوه بر ارتقای سطح دانش و معرفت مردم موجب اشتغال و ارتقای سطح منابع انسانی گشته‌اند. موقوفات به‌عنوان یک منبع مستمر، پشتوانه مردمی داشته است و از این طریق توانسته است به کاهش فشارهای اقتصادی و در نتیجه به کاهش فقر نیز کمک کند (مرتضوی و یزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۰). در کرمان به دلیل مشکلات و نابسامانی‌های پیش‌آمده در طول زمان بر اثر

حوادث طبیعی (طوفان و زلزله) و غیرطبیعی (آشوب‌ها و جنگ‌ها) که رخ داده بود مرکز شهر که محل داد و ستد و امرارمعاش مردم و یا به‌نوعی همان بازار و مغازه‌ها به‌شدت فرسوده و تخریب‌شده بود و از طرف دیگران صاحبان آن‌ها به دلیل مشکلات مالی و یا تعدد ورثه امکان تعمیر و توسعه این ابنیه را نداشته‌اند لذا از همین رو گنجعلی‌خان این ساختمان‌ها و مغازه‌ها را خریداری نموده و پس از بازسازی و نوسازی آن‌ها به‌صورت وقفی مجدداً در اختیار مالکان قبلی این مغازه‌ها و صاحبان حرف و صنایع قرار داده است. این کار گنجعلی‌خان علاوه بر دمیدن روح تازه در کالبد رنجور و مریض شهر بوده همچنین سبب ایجاد رونق در کسب‌وکار بازار شده است و از توانمندی و تجربه صاحبان این مشاغل جهت ارتقای وضعیت رفاهی شهروندان در اثر درآمدزایی و اشتغال نیروها استفاده نموده است (مطبعه چی، ۱۳۸۷: ۶۵۶). امروزه، مدیریت منابع وقف با مشکلات و تنگناهایی روبه‌رو است که سبب شده این سرمایه مادی و معنوی، به‌طور کامل و مفید در جهت بهبود و ارتقای سطح رفاه اجتماعی شهروندان مورد بهره‌برداری قرار نگیرد. برای مثال، با توجه به خشکسالی‌های استان کرمان، مجموعه قنوات این موقوفه به دلایل مختلف از جمله عدم مدیریت مناسب و بجا، نتوانسته در بهره‌وری کشاورزی و حتی غیر کشاورزی کارایی کافی داشته باشد، اما می‌توان با ارائه الگوی مدیریتی مناسب و احیاء آن‌ها رفاه اجتماعی مردم را بالا برد؛ ولی این مدیریت امروزه با چالش‌هایی روبه‌رو شده است. فقدان سازمان‌دهی صحیح برای اوقاف به‌منظور ارتقای این منابع و تقویت رفاه شهروندان کرمانی، از عوامل مهم و تأثیرگذار در عدم توسعه مقوله وقف در موقوفات گنجعلی‌خان است. «یکی از دلایل اصلی این کندی و رکود را می‌توان در نبودن سازمان‌دهی صحیح برای موقوفات خلاصه کرد؛ به‌عبارت‌دیگر، نبود سازمان‌دهی کارا و نظام هدایت وقف برای مدیریت و بهره‌گیری صحیح از اموال موقوفه و یا ایجاد دارایی‌های موردنیاز هر منطقه و مردم آن می‌باشد؛ به‌عنوان مثال، در مناطقی واقفان و نیکوکاران ساختمان‌های متعددی برای مدارس و دانشگاه‌ها در کنار هم ایجاد کرده و همه یا بیشتر آن‌ها خالی و بدون استفاده مانده‌اند، اما در مناطق دیگر، محرومیت و نیاز به همین موارد غوغا می‌کند» (سید حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۷). با توجه به مصارف وقف در زمینه‌های متفاوت الگوهای متفاوتی قابل‌شناسایی هست؛ اما مدل یا الگویی که به‌صورت ترکیبی تأثیرات این مصارف وقف را بر شاخص‌های متفاوت رفاه نشان دهد، موردتوجه و تحقیق قرار نگرفته لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش موقوفات گنجعلی‌خان در رفاه اجتماعی با رویکرد کاهش فقر در شهروندان کرمانی است.

پیشینه نظری

رفاه اجتماعی از سازوکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی و راهی برای توانایی‌های بالقوه انسانی، برابری و عدالت به‌عنوان یک حرکت واضح به‌منظور رفع تبعیض است. رفاه اجتماعی سامانه‌ای منسجم و جامع از خدمات و برنامه‌هایی است که برای ارتقای توسعه اجتماعی، عدالت اجتماعی و کارکرد اجتماعی مردم طراحی شده است. رفاه اجتماعی برای به وجود آوردن خوشی و رفاه در جامعه است (Bak, 2004). رشد اقتصادی شرط ضروری کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی است (Aker, 2007). «جیمز میجلی» از رفاه به‌عنوان وضعیت مناسب زندگی انسان یاد می‌کند و اظهار می‌دارد که برای تأمین رفاه اجتماعی باید نیازهای افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و جوامع، چه در سطح نیازهای بیولوژیکی و چه در سطح نیازهای اجتماعی و سازمانی رفع گردد (میجلی، ۱۳۸۷: ۶-۷). شورای برنامه‌ریزی سازمان بهزیستی کشور نیز رفاه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند، رفاه مفهومی چندبعدی است که بر سه مؤلفه: ۱- نیازها یا آنچه مردم باید داشته باشند ۲- منافع یا آنچه برای مردم خوب و سودمند است و ۳- خواسته‌ها یا آنچه مردم برای خود انتخاب می‌کنند (شورای برنامه‌ریزی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۹: ۱۳). در تعریفی دیگر می‌توان گفت: «رفاه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب

مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد» (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۳۶)؛ بنابراین، رفاه اجتماعی، شامل مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل قبول تأمین کرده و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند (Urtasuna, 2016: 903)، گودین^۱ سه ویژگی از رفاه را مشخص می‌کند که به‌نوعی در ارتباط با تعریف مدنظر ما قرار دارد. این سه ویژگی عبارت‌اند از: «الگوی اول، حداقل معیارها را موردنظر قرار می‌دهد. الگوی دوم، بر مفهوم برابری اجتماعی تأکید می‌کند. الگوی سوم، پیرامون عقایدی مانند برادری و جامعه‌نگری دور می‌زند» (Makaron, 2005 : 15-16). پس می‌توان گفت: وقف با ایجاد زمینه‌های مساعد حداقل معیارها را برای افراد فقیر فراهم می‌سازد و از این طریق با کاهش فاصله طبقاتی و شکاف‌های درآمدی منجر به تقویت سرمایه اجتماعی- اقتصادی و در نتیجه، افزایش رفاه و توسعه اجتماعی آحاد جامعه می‌شود؛ بنابراین، وقف می‌تواند با مواردی مثل شدت نیاز به احیای توازن فکری بین ارزش‌های معنوی و مادی که امروزه در زندگی بشر مشاهده نمی‌شود، تشدید نیاز به فعالیت تکمیل‌سازی اقدامات حکومتی و خصوصی در تحقق اهداف توسعه، بهره‌برداری از نظام توسعه‌ای وقف به دلیل این ویژگی که می‌تواند شامل تمام نیازهای افراد جامعه باشد و مشارکت عمده وقف در تکامل ساختار نهادی جامعه به رفاه اجتماعی کمک کند.

به‌طور سنتی، به‌منظور سنجش و اندازه‌گیری رفاه اجتماعی، بیانگرهایی از اقتصادی نظیر درآمد ملی سرانه که تنها بر مصرف تمرکز دارد، استفاده شده و از سایر ابعاد مؤثر بر رفاه اجتماعی چشم‌پوشی می‌شود. سنجه‌هایی مثل درآمد ملی سرانه، رفاه اجتماعی را به مثابه پدیده‌ای تک‌بعدی در نظر می‌گیرد (Zarzosa & Somarriba, 2012)؛ محققان کمالی و همکاران، (۱۳۹۲).

گفتمان مسلط رفاه اجتماعی تا دهه‌های اخیر و تا قبل از «چرخش فرهنگی» در نظریه اجتماعی در دهه ۱۹۷۰، «گفتمان مادی» بوده، به این معنا که رفاه اجتماعی در پرتو «نظریه‌های توسعه» تعریف می‌شدند و نظریه‌های توسعه نیز به شاخص‌های رشد اقتصادی مانند درآمد ملی، تولید ناخالص ملی، میزان مصرف انرژی و مقولاتی از این نوع می‌پرداختند. از این‌رو، در این گفتمان اشتغال و درآمد و دسترسی به منابع مادی قدرت و ثروت شاخص‌های رفاه جامعه شناخته می‌شد، در اواخر دهه ۱۹۶۰ جنبش بیانگرهای اجتماعی، رفاه اجتماعی را مفهومی چندبعدی معرفی کرد و آن را از انحصار اقتصاد خارج کرد. این رویکرد ابعادی نظیر سلامت، آموزش، مسکن، محیط و غیره را به مفهوم رفاه اجتماعی افزود. از این منظر، عوامل یادشده برای درک و سنجش رفاه اجتماعی افراد ضروری شناخته شد (Zarzosa & Somarriba, 2012).

رفاه اجتماعی- اقتصادی یک جامعه پیچیده، ذاتاً نیازمند برخی از قضاوت‌های اخلاقی و آماری است و ابعاد مختلف بسیاری در برابر رفاه وجود دارد؛ بنابراین، با یک عدد شاخص، به‌تنهایی، نمایش اهمیت ارزش قضاوت‌ها و انتخاب مقایسه فنی در ساخت شاخصی برای رفاه اقتصادی مشکل است؛ بنابراین، شاخص رفاه اجتماعی- اقتصادی باید بر مبنای شاخص‌های مصرف، انباشت، نابرابری و ناامنی باشد؛ که همراه با آن شناخت روشنی از اوزان هریک از این اجزا بسته به ارزش‌های متفاوت مشاهده‌گران وجود داشته باشد. در اندازه‌گیری رفاه دو شاخص عمده وجود دارد: «رویکرد عینی و رویکرد ذهنی» (Veenhoven, 2007). تحقیقات بسیاری که توسط دانشمندان علوم اجتماعی انجام گرفته نشان می‌دهد حالت‌های عاطفی مثبت (از جمله احساس نشاط) بر سلامت افراد تأثیر بسزایی دارد (Chanfreau et al, 2008). نشاط و رفاه ذهنی خود متأثر از عوامل ماقبل است. به سخن دیگر، تابع رفاه عینی و مختصات آن است. از جمله این عوامل عینی رفاه عبارت‌اند از: سلامت جسمانی؛ امکانات و خدمات رفاهی خانوار؛ فعالیت‌های مدنی؛ روابط

¹ Godín

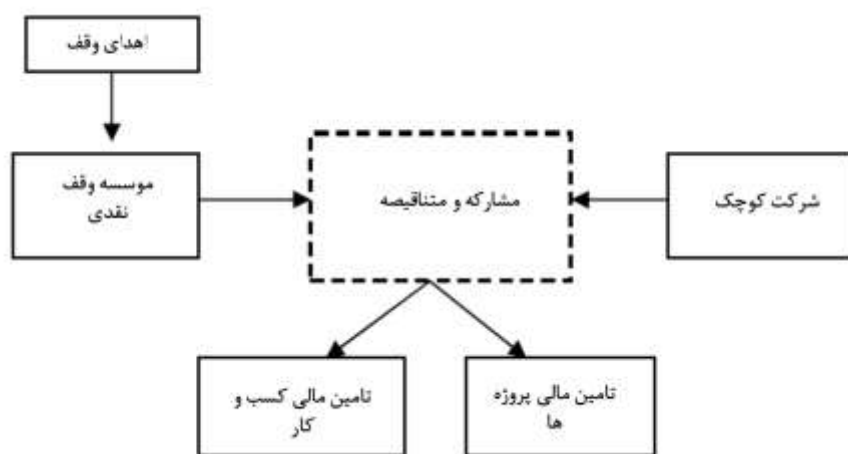
اجتماعی (فیروز جاییان و دهقان حداد، ۱۳۹۲). رفاه عینی معمولاً با سنج‌ها و مؤلفه‌های رؤیت پذیر و ملموس رفاه سنجیده و تعریف می‌شود. رویکرد عینی رفاه را با عنوان مجموعه‌ای از شرایط واقعی و بیرونی زندگی و مواردی آشکار و مرتبط با استانداردهای زندگی قلمداد می‌کند. این موارد سلامت جسمانی، شرایط شخصی (از جمله ثروت و شرایط زندگی)، ارتباطات اجتماعی، اقدامات اجتماعی، اقدامات شغلی و یا دیگر عوامل اجتماعی و اقتصادی است. از نظر برخی محققان چهار جزء یا بعد رفاه اقتصادی و یا عینی عبارت‌اند از: جریان‌ات سرانه مؤثر مصرف: این بعد، مصرف کالا و خدمات بازاری، جریان سرانه مؤثر تولید خانگی، فراغت و دیگر کالاها و خدمات غیر بازاری را شامل می‌شود. انباشت خالص مجموعه انبارهای منابع تولیدی: این بعد، انباشت خالص سرمایه قابل مشاهده، انبارهای خانه و کالاهای مصرفی بادوام، تغییرات خالص در ارزش ذخیره منابع طبیعی، هزینه‌های محیطی و تغییر خالص در سطح بدهی‌های خارجی را شامل می‌شود. این بعد به‌طور ایده‌آل می‌تواند شامل انباشت سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری در تحقیقات و توسعه نیز باشد. توزیع درآمد، فقر و نابرابری: شامل شدت فقر و نابرابری درآمدی است. ناامنی اقتصادی: ناامنی اقتصادی ناشی از این موارد است: از دست دادن شغل و عدم استخدام، بیماری، جدایی خانواده و فقر دوران پیری (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰).

رفاه ذهنی «شامل عنصر عاطفی (به‌عبارت دیگر، تجربه عواطف مثبت تقریباً زیاد و عواطف منفی تقریباً کم) و عنصر شناختی (به‌عبارت دیگر، رضایت از زندگی یا ارزیابی کلی از زندگی شخص) می‌شود». در اینجا، «ارزیابی کلی و ذهنی فرد از زندگی خود» (WinnHowen, 2008).

رفاه ذهنی شامل تمام ارزیابی‌های مثبت و منفی می‌شود که مردم در مورد زندگی خود دارند. ارزیابی‌های بازتابی شناختی همچون رضایت از زندگی، رضایت شغلی، علاقه و تعهدات و نیز واکنش‌های عاطفی در برابر وقایع زندگی همچون شادی یا ناراحتی هست (محمدی پور و همکاران، ۱۳۹۷). این ارزیابی ممکن است شناختی اولیه باشد یا اینکه شامل تجارب هیجانی رضایت‌بخش یا ناراضی‌ها باشد. رفاه ذهنی حالتی از رفاه است که شامل دو عنصر شناخت و دل‌بستگی هست (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰). برخی بر این باورند که رفاه ذهنی از چهار جزء تشکیل شده است: عواطف خوشایند؛ عواطف ناخوشایند؛ قضاوت درباره زندگی یا سنجش وضعیت زندگی؛ رضایت در مورد مسائل زمینه‌ای نظیر ازدواج، سلامتی، اوقات فراغت و غیره (محمدی پور و همکاران، ۱۳۹۷). بدین ترتیب، احساس نشاط به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود. در یک دسته‌بندی (Conlon- Baco, 2010)، رفاه ذهنی را به دو بعد «رضایت از زندگی»^۱ و «نشاط فردی»^۲ تقسیم‌بندی می‌کند. وی بر این باور است که رفاه ذهنی ارزیابی خود از نسبت به دو عامل رضایت و نشاط است. در مجموع، می‌توان گفت که: «رفاه ذهنی ارزیابی‌های احساسی و شناختی از افراد را در برمی‌گیرد و حالت پیشرفته خوشایند روانی را ارائه می‌دهد؛ و شامل دو بعد وسیع است: رفاه احساسی و کارکرد مثبت. رفاه احساسی بعدی از رفاه ذهنی است که شامل ادراک‌ها از شادکامی و رضایت از زندگی و تعادل عواطف و احساسات مثبت و منفی است؛ بنابراین رفاه احساسی، شامل ساختار سه‌گانه است: رضایت از زندگی، احساسات مثبت و احساس منفی؛ بنابراین، رفاه ذهنی به واسطه رفاه احساسی و کارکرد مثبت تعریف می‌شود و شامل عناصری از شادکامی تعریف شده و رضایت از زندگی، تعادل احساسات مثبت و منفی، رفاه روان شناختی و رفاه اجتماعی می‌شود که بی‌ارتباط با رفتار روزمره افراد نیست» (بارگاهی و کبیری، ۱۳۹۴: ۱۶).

1. life satisfaction

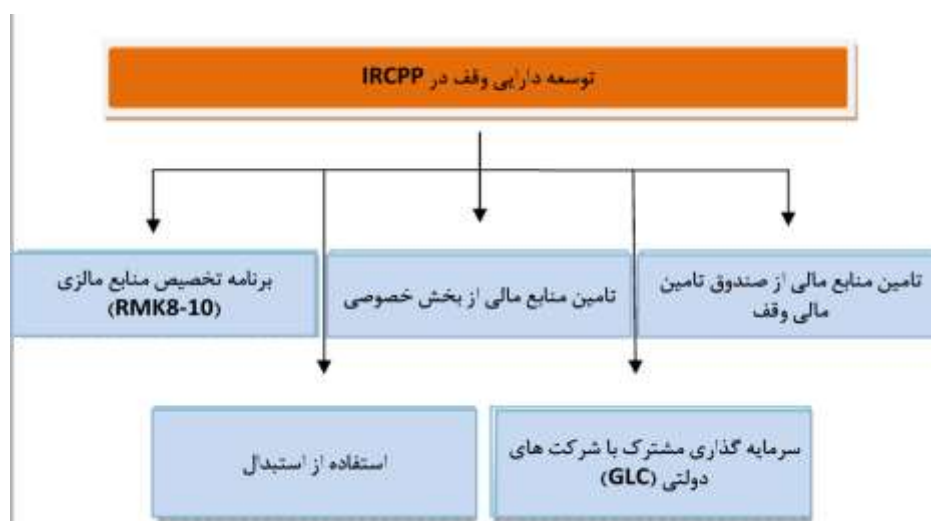
2. personal happiness



شکل ۱- مدل سرمایه‌گذاری وقف نقدی شرکت‌های کوچک (ICWME-I)

محداس تاکر و همکاران در مورد نقش وقف در تأمین مالی پروژه‌ها و کاهش فقر مدل سرمایه‌گذاری وقف نقدی شرکت‌های کوچک (ICWME-I) را ارائه نمودند که بیانگر نقش مهم وقف در بهبود شرایط اقتصادی است (Mohd Thas Thaker et al, 2016).

هاشم و ابوبکر (۲۰۱۳) باهدف مطالعه روش‌های توسعه تجاری زمین‌های وقفی در مالزی توسط شورای اسلامی پولان پینانگ (IRCPP) به بررسی سازوکار اداره این منابع پرداختند. نتایج توسعه این منابع سبب شده تا بهره‌وری املاک و زمین‌های این منطقه افزایش یابد.



شکل ۲- توسعه داری وقف در IRCPP (منبع: Hashim et al, 2013)

پیشینه عملی

مدیریت دارایی‌های وقفی (Saleem, 2010)؛ مدیریت وقف در مالزی^۱ (Isa et al, 2011)؛ روش‌های توسعه تجاری زمین‌های وقفی در مالزی (Hashim et al, 2013) کاربرد وقف در تأمین مالی پروژه‌های اجتماعی (Shaikh et al, 2017)؛ وقف و پایداری (احمد، ۲۰۰۸)؛ منابع وقف نقدی و تأمین مالی شرکت‌های کوچک در مالزی (Mohd Thas Thaker et al, 2018)؛ وقف، رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی (Krafess, 2005)؛ تأثیر کارکردهای مدیریت

منابع بر عملکرد سازمانی اوقاف (Al-Bahussin & El-Garaihy, 2013)؛ بررسی رابطه میان مدیریت منابع مالی و (رفاه) مطلوبیت سازمانی (Boosini & Kaslaskyte, 2012) نیز از جمله این مطالعات هستند. در همین راستا، سید حسینی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی «بهبود روش‌های مدیریت در سازمان اوقاف و اثر آن در افزایش بهره‌وری در حوزه وقف» پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بهبود روش‌های مدیریتی فعلی حاکم بر اموال موقوفه در سازمان اوقاف بر میزان بهره‌وری در حوزه وقف اثرگذار است و تأثیر مثبتی دارد.

مطالعات نشان می‌دهد که ارتباط بین مذهب و رفاه اجتماعی پیچیده و چندبعدی است (Bäckström, Davie, 2010., Edgardh & Pettersso, 2004., Bane, Coffin & Thiemann, 2000., Edgardh, 2004., Morgan, 2006). ارزش‌های رفاهی که به سیاست‌های رفاه اجتماعی شکل می‌دهند با تاریخ و فعالیت‌های مذهبی ارتباط وثیقی دارند (Lipset, 1996., Coffin, 2005) و همچنین، نهادهای مذهبی نقش مهمی در تکوین دولت‌ها و سیاست‌های رفاهی آن‌ها داشته‌اند (Axtmann, 2004: 11). مذهب و دین و نیز اعمال و نهادهای بر خواسته از آن به طرق گوناگون بر جامعه و روان افراد تأثیر می‌گذارند و از این طریق رفتارها و نگرش‌های معطوف به توسعه و رفاه افراد را شکل می‌دهند که در اصطلاح می‌توان آن را «فرهنگ رفاه» نامید.

اندیشمندان مختلفی به مطالعه ارزش‌ها و سنن دینی در تأمین اجتماعی و ارتقای رفاه شهروندان به مطالعه و تئوری پردازی پرداخته‌اند. «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» (Weber, 2013) «نقش مسیحیت در شکل‌گیری دولت‌های رفاه»؛ «تأثیر ارزش‌های دینی کاتولیک در تأمین اجتماعی آلمان»؛ «مطالعه لین^۱ و مانو^۲ در خصوص ریشه‌های پروتستانی سیاست‌های تأمین اجتماعی سوئیس و کشورهای اروپای شمالی»؛ مطالعه کرسبرگن^۳ در مورد نقش مسیحیت در رفاه اجتماعی اروپا؛ توجه به نقش ارزش‌های دینی و اجتماعی در رفاه اجتماعی آمریکا؛ بنیان‌های مسیحی دولت رفاه (van Oorschot et al, 2016) از جمله صاحب‌نظرانی محسوب می‌شوند که به بررسی ارزش‌های دینی در ارتقای رفاه اجتماعی پرداخته‌اند.

مفاهیم رفاهی نهفته در مذهب نشان‌دهنده اهمیت آن در روابط اجتماعی است (Ehlers, 1995) به بررسی مبانی و اهمیت تکوینی و مکانی، اجتماعی-اقتصادی و سیاسی وقف می‌پردازد. وی در بخش اهمیت اقتصادی-اجتماعی وقف، چهار کارکرد اصلی را برمی‌شمارد: الف) تهیه و تدارک قسمت اعظم وظایف و مراسم دینی همیشگی و دیرینه جامعه در شهرها، از جمله سازمان‌دهی، تقبل و تأمین تمام یا قسمتی از هزینه‌های جاری و تعمیرات مساجد، حوزه‌های علمیه و حسینیه‌ها، برگزاری مراسم عزاداری، اعیاد و جشن‌های مذهبی و سایر مناسبت‌ها و رویدادهای دینی در ایام خاص و تعلقات مذهبی از محل تخصیص عواید موقوفات؛ ب) کمک‌های گوناگون به فقرا، بینوایان، دانش‌آموزان و مدارس، اداره و نگهداری برخی از بیمارستان‌ها، حمام‌ها، آب‌انبارها و انجام سایر امور خیریه و عام‌المنفعه از محل عایدات موقوفات؛ ج) تأمین مساکن ارزان قیمت برای مردم فقیر و واگذاری زمین‌های وقفی با اجاره طولانی‌مدت به مردم و اجاره مغازه‌ها و کارگاه‌ها (به صورت ارزان) در برخی از کشورها؛ د) کارآفرینی: جمع‌زادی از شاغلین به‌طور مستقیم در املاک، اماکن متبرکه، تأسیسات مستغلات بازرگانی و صنعتی، سازمان‌های اوقاف شهرها و کشورهای اسلامی به کار اشتغال دارند.

1. Lin

2. Manow

3. Kersbergen

داده‌ها و روش‌شناسی

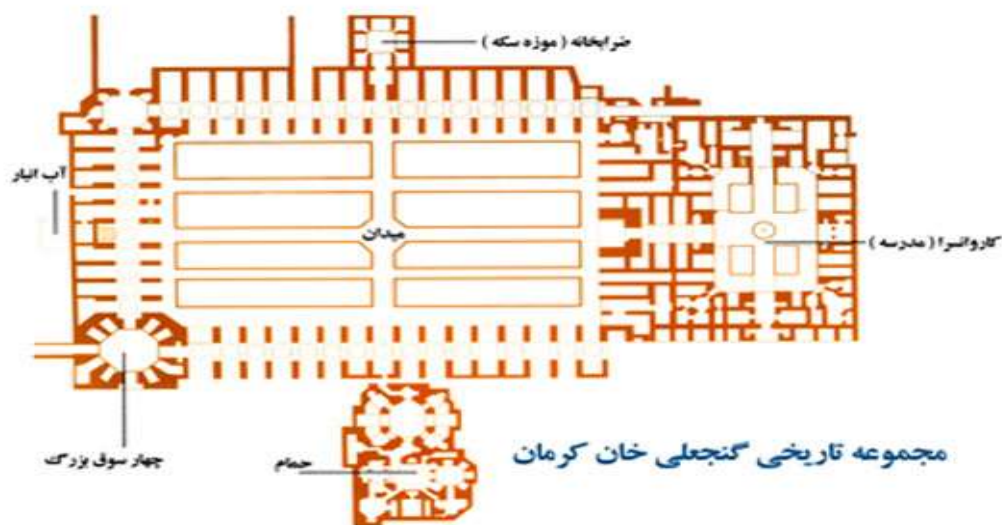
جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان بودند بر اساس جدول مورگان تعداد نمونه‌ها ۳۸۴ است که آن‌ها به ۴۰۰ مورد ارتقاء داده شدند، زیرا پیش‌بینی می‌شد که در خلال جمع‌آوری داده‌ها برخی از پرسشنامه‌ها، مفقود، پاره، ناقص و یا برگشت داده نشود که در نهایت ۳۹۰ پرسشنامه برگشتی مورد تحلیل قرار گرفت. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته رفاه اجتماعی در دو بعد رفاه عینی و رفاه ذهنی (بر اساس شاخص‌های رفاهی) و پرسشنامه محقق ساخته مدیریت منابع وقف محقق ساخته (بر اساس مضامین برگرفته از قسمت کیفی) در ابعاد قابلیت‌های مدیریتی، دانش تخصصی، درک از موقوفات، نوآوری سازمانی، اولویت‌بخشی به نیازها و قابلیت‌های سازمانی استفاده شد و شاخص‌های این ابعاد با تحلیل عاملی اکتشافی مورد تأیید قرار گرفتند. رویی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها بر اساس نظر متخصصان تأیید و پایایی ابزار با استفاده از ضریب پایایی روش آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت؛ که در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱- ضریب آلفای کرون باخ برای مؤلفه‌های اصلی پرسشنامه‌ها

مؤلفه	ضریب آلفای کرونباخ
رفاه عینی	۰/۷۵
رفاه ذهنی	۰/۷۱
قابلیت مدیریتی	۰/۷۶
دانش تخصصی	۰/۷۲
درک از موقوفات	۰/۸۴
نوآوری سازمانی	۰/۷۵
اولویت‌بخشی به نیازها	۰/۷۲
قابلیت سازمانی	۰/۷۴

قلمرو پژوهش

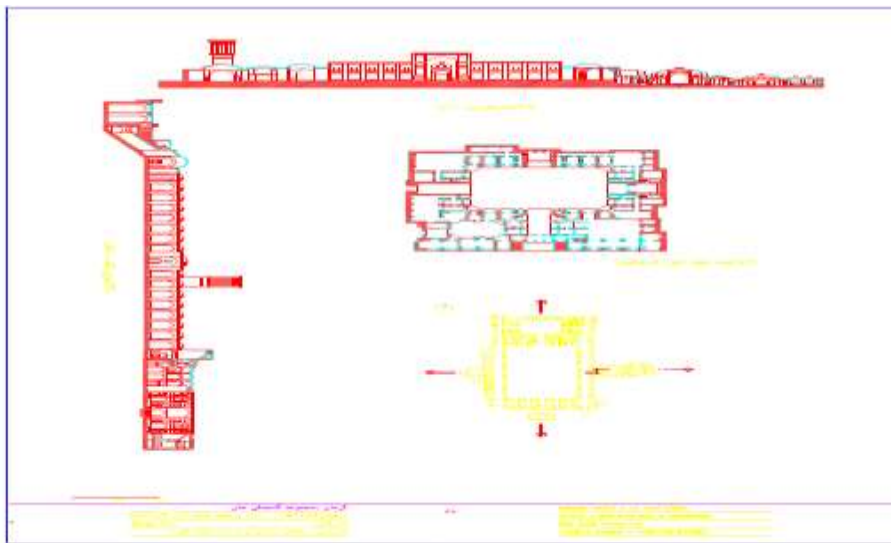
مکان انجام این پژوهش در شهر کرمان در حوزه موقوفات گنجعلی خان این شهر هست.



شکل ۳- مجموعه موقوفات گنجعلی خان کرمان



شکل ۴ - تصویر مجموعه موقوفات گنجلی خان کرمان



شکل ۵ - پلان مجموعه موقوفات گنجلی خان کرمان

یافته‌ها

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، از ۳۹۰ نفر مورد مطالعه، ۲۳۷ نفر مرد و ۱۵۳ نفر زن بودند. همچنین نتایج نشان داد ۶۴/۱۰ درصد افراد نمونه متأهل، ۳۱/۵۳ درصد مجرد و ۱/۲۸ درصد همسر فوت شده یا طلاق گرفته بودند و در این میان ۱۲ نفر نیز بی‌پاسخ بوده‌اند، بیشترین توزیع فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۹ تا ۳۸ سال است که معادل ۳۱/۵۳ درصد بودند. کمترین فراوانی نیز مربوط به گروه سنی ۶۸ سال و بالاتر است که معادل ۳/۴۸ درصد پاسخگویان بودند. بیشترین توزیع فراوانی مربوط به تحصیلات لیسانس هست که ۱۹/۷۴ درصد می‌باشند. فوق‌دیپلم ۱۷/۹۵، دیپلم ۱۴/۶۱، دبیرستان ۱۲/۸۲، راهنمایی ۴/۱۰، ابتدایی ۷/۷۰، بی‌سواد ۴/۶۱ بودند. علاوه بر این، ۹/۲۳ فوق‌لیسانس، ۳/۳۳ دکترا و ۵/۹۰ درصد نیز تحصیلات حوزوی داشتند. از بین ۳۹۰ نفر افراد نمونه، ۲۸/۴۶ به‌صورت آزاد شاغل هستند ۳/۸۴ درصد پانصد تا یک میلیون، ۸/۷۱ درصد یک میلیون و صد هزار تا یک میلیون و پانصد، ۱۰ درصد یک میلیون و شش صد

هزارتا دو میلیون، ۶۱٪ درصد ۱۴ دو میلیون و صد هزارتا دو میلیون پانصد هزار، ۱۸/۲۰ درصد دو میلیون و ششصد هزارتا سه میلیون، ۲۱/۸۰ درصد سه میلیون و صد هزار تا سه میلیون و پانصد هزار، ۱۳/۳۳ درصد سه میلیون و ششصد هزارتا چهار میلیون و ۸/۲۰ درصد چهار میلیون و صد هزار و بالاتر درآمد داشتند. بیشترین فراوانی مربوط به گزینه مالکیت شخصی است که ۷۲/۵۷ درصد پاسخگویان هستند. مالکیت اجاره‌ای با ۱۴/۱۰ درصد، با والدین ۷/۹۵ درصد و سازمان با ۵/۳۸ درصد به ترتیب بیشترین فراوانی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. افراد بیشتر خود را متعلق به طبقه متوسط می‌دانند که ۳۸/۷۱ درصد پاسخگویان هستند. متوسط روبه بالا با ۳۱/۲۸ درصد در رتبه بعد قرار دارند. متوسط رو به پایین با ۱۶/۹۲ درصد، پایین با ۹/۴۹ درصد و بالا با ۳/۳۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مورد آشنایی با موقوفات ۳۸/۷۱ درصد پاسخگویان اظهار کردند که بیش از چهار سال است که با موقوفات گنجلی‌خان آشنایی دارند. ۳۱/۲۸ اظهار کردند که چهار سال است که با موقوفات گنجلی‌خان آشنایی دارند. ۱۶/۹۲، ۹/۴۹ و ۳/۳۳ درصد نیز به ترتیب اعلام کردند که سه، دو و یک سال است که با موقوفات آشنایی نزدیک دارند و نسبت به اقدامات و فعالیت‌ها و نیز خدمات رفاهی آن آشنایی دارند. از پاسخگویان پرسیده شد که موقوفات گنجلی‌خان در چه حوزه‌هایی به مردم شهر کرمان کمک بیشتری رسانده است؟ بیشتر فراوانی مربوط به بخش اقتصادی و رفاهی است که ۳۷/۹۵ درصد بود. گزینه درمانی و بهداشتی با ۲۵/۹۰ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. دینی و مذهبی با ۱۷/۶۹، اجتماعی با ۸/۷۱، فرهنگی با ۷/۶۹ و سیاسی با ۲/۳۰ درصد در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. اکثریت پاسخگویان یعنی ۷۷/۶۹ درصد از پاسخگویان اظهار کردند که در موقوفات فعالیت مستقیم نداشته‌اند. ۷/۱۸ اظهار کردند که در موقوفات فعالیت داشته‌اند. از کل نمونه آماری این پژوهش ۳۶۰ نفر یعنی شیعه که معادل ۹۲/۳۱ هستند. ۸ نفر یعنی معادل ۲/۵ درصد سنی و ۱۵ نفر یعنی معادل ۳/۸۴ درصد سایر مذاهب بودند و منظور از آن پاسخگویانی بود که گفتند مذهبی غیر از شیعه و سنی دارند. ۷ نفر که معادل ۱/۷۹ درصد هستند نیز ذکر نکردند که چه مذهبی دارند.

روش مناسب برای تشخیص مناسب بودن و انتخاب معرف‌های لازم برای تحلیل عاملی، استفاده از آزمون بارتلت هست. آزمون کیزر-مایر مقادیر همبستگی مشاهده‌شده را با مقادیر همبستگی تفکیکی مقایسه می‌کند. دامنه آماره این آزمون (KMO) بین ۰ و ۱ در نوسان است. چنانچه مقدار این آماره بیش از ۰/۷۰ باشد همبستگی‌های موجود به‌طور کلی برای تحلیل عاملی بسیار مناسب‌اند. اگر KMO بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ بود باید دقت زیادی به خرج داد و مقادیر کمتر از ۰/۵۰ نیز بدان معناست که تحلیل عاملی برای آن مجموعه از متغیرها مناسب نیست (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۷۷). وقتی میزان KMO کم باشد با مراجعه به MSA می‌توان متغیرهای نامناسب را از تحلیل خارج نمود. آزمون کرویت بارتلت برای ارزشیابی وضعیت ماتریس همبستگی متغیرهاست که در صورت معناداری، بیانگر حداقل شرط لازم برای اجرای تحلیل عاملی هستند. آماره بارتلت نیز مناسب بودن داده‌ها را برای تحلیل عاملی نشان می‌دهد. مقدار آماره آن برابر $BT=1765$ هست و سطح معناداری به‌دست‌آمده مطلوب است ($sig=0/1$). شیوه تحلیل عاملی مورد استفاده در اینجا از نوع اکتشافی است و برای استخراج عامل‌ها از روش حداقل مربعات ناموزون استفاده شده است.

ابتدا ماتریس ضرایب همبستگی درون گویه‌ای مورد محاسبه قرار گرفت تا گویه‌هایی که دارای همبستگی ضعیف یا غیر معنادار با بقیه هستند حذف گردیده و وارد تحلیل عاملی نشوند. نتایج نشان داد از بین مقادیر همبستگی عوامل، هیچ کدام از معرف‌ها دارای همبستگی غیر معنادار با سایر گویه‌های همبسته نیست و ماتریس همبستگی نشان می‌دهد در داخل هر مؤلفه همبستگی قابل‌قبولی بین گویه‌ها وجود دارد. در این مرحله تصمیمی برای حذف کردن گویه یا گویه‌های خاصی گرفته نشد. البته در آلفای کرونباخ نیز این وضعیت به آزمون گذاشته شد که در جای خود میزان آلفای هر متغیر گزارش شده است. نکته اینکه هرچند در مواردی همبستگی گویه به گویه موارد ضعیفی را نشان می‌دهد، اما تصمیم

به حذف آن‌ها گرفته نشد و وضعیت نهایی حذف یا ماندگاری آن‌ها را به در تحلیل عاملی موکول کردیم که در ادامه تحلیل عاملی گویه‌ها ارائه شده است.

جدول ۲- تحلیل عاملی مؤلفه‌های رفاه اجتماعی

معرفها	عامل اول (رفاه عینی)	عامل دوم (رفاه ذهنی)
درآمد خانواده	۸۱	
برخورداری از مسکن مناسب	۷۰	
تفریحات و سفر	۶۹	
امکان آموزشی	۷۶	
اتومبیل و امکانات حمل‌ونقل	۶۶	
تأمین شغل تخصصی (متناسب با تخصص)	۷۳	
دسترسی به امکانات بهداشتی-درمانی	۸۱	
تهیه مواد غذایی اصلی	۷۷	
کمک‌های مالی بلاعوض به افراد	۸۴	
داشتن امید به آینده		۸۰
اعتماد به نفس		۷۳
رسیدن به آرامش روانی		۷۰
احساس مثبتی نسبت به خود و دیگران		۷۱
کاهش خشونت و پرخاش		۶۹
احساس تعلق و همگرایی		۷۱
کاهش حس محرومیت		۸۱
حس خوشبختی و سعادت		۷۷
احساس استحقاق و شایستگی		۷۴
نشاط و شادابی جمعی		۶۹

جدول ۳- تحلیل عاملی مؤلفه‌های مدیریت منابع وقف

معرفها	عامل اول (قابلیت مدیریتی)	عامل دوم (دانش تخصصی)	عامل سوم (درک از موقوفات)	عامل چهارم (نوآوری سازمانی)	عامل پنجم (اولویت‌بخشی به نیازها)	عامل ششم (قابلیت سازمانی)
در موقوفات گنجعلی‌خان جایگاه‌های کارشناسانه خوبی وجود دارد	۶۲					
مدبران و مسئولان موقوفات رهبری متناسبی دارند	۸۴					
در موقوفات مدیریت استراتژی‌های یکپارچه‌ای وجود دارد	۷۲					
مهارت‌های رهبری مطلوب است	۸۸					

						مدیران ادراک خوبی بر موقوفات دارند	۷۴
						مهارت‌های اجرایی مدیران مطلوب است	۷۷
						مهارت‌های ارتباطی مدیران مطلوب است	۷۹
					۶۹	توجه به دانش و تجربه سایر کشورها	
						وجود افراد خبره و متخصص در موقوفات	۷۴
						توجه بیشتر بر تخصص و کارهای کارشناسی	۷۲
						استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات	۷۶
						توجه به دانش و آموزش جدید	۷۱
						زیرساخت‌های نظام اطلاعاتی	۷۱
						به‌کارگیری و عملیاتی کردن دانش روز دنیا	۷۰
					۷۲	مردم فکر می‌کنند که وقف فقط برای فقرا و افراد کم‌درآمد است	
					۸۵	مردم فکر می‌کنند که باید بیشتر دست بگیر داشته باشند تا دست بده	
					۸۶	مردم موقوفات را فقط در حد یک سازمان مالی می‌دانند	
					۷۶	اکثر مردم از سودمندی‌های فرهنگی موقوفات اطلاع درستی دارند	
					۷۰	مردم از وقف فقط درک و فهم دینی و مذهبی دارند	
					۸۲	دانش مردم از موقوفات سطحی و جزئی و در حد نام و نشان است	
					۸۰	همان چیزهای که از موقوفات بوده، دست‌نخورده باقی‌مانده است	
					۷۰	اولویت‌ها در موقوفات بر اساس خلاقیت نیست	
					۸۶	در موقوفات ریسک و نوآوری زیادی وجود ندارد	
					۶۹	یکنواختی در موقوفات دل‌زدگی زیادی برای مردم ایجاد کرده است	
					۷۳	خدماتی که موقوفات ارائه می‌کند، همان چیزهای هستند که از قبل بوده است	
					۸۲	کل نوآوری موقوفات به چند مغازه و شغل مشخص تقلیل یافته است	
					۷۷	کارها و فعالیت‌های موقوفات یک‌دست و مشخص هستند	
معرفها	عامل اول (مدیریتی)	عامل دوم (دانش تخصصی)	عامل سوم (درک از موقوفات)	عامل چهارم (نوآوری سازمانی)	عامل پنجم (اولویت‌بخشی به نیازها)	عامل ششم (قابلیت سازمانی)	
							توجه به نیازهای به‌روز و جدید
							توجه به خدمات و نیازهای مادی و غیرمادی
							تنوع‌بخشی به خدمات

					آینده‌نگری در تأمین نیازها و خدمات
					کیفیت خدمات آموزشی
					کیفیت خدمات فرهنگی
					کیفیت خدمات درمانی و بهداشتی
۸۱					عملیات و کارهای اجرایی به‌خوبی انجام می‌گیرد
۷۳					تمرکز سازمانی خوبی وجود دارد
۷۱					ارتباطات داخل سازمانی مطلوب است
۷۵					ارتباطات خارج سازمانی مطلوب است
۷۱					وظایف هر بخش و کارگروه مشخص و دقیق است
۷۰					از همه بخش‌ها و نیروها استفاده بهینه می‌شود
۸۳					امکانات خود مدیریتی موقوفات بالا است

چنانچه ملاحظه می‌گردد هیچ‌کدام از معرف‌ها خارج از عامل مربوط به معرف‌هایی قرار نگرفته است که قبلاً پیش‌بینی می‌شد این اتفاق بیفتد، زیرا ماتریس همبستگی نشان‌دهنده وضعیت مطلوب همبستگی درونی گویه‌ها باهمدیگر بود. هرچند که در ماتریس همبستگی نیز اشاره شد که در مواردی از همبستگی‌ها موارد ضعیفی وجود داشت، اما در نهایت با بار شدن بر عامل‌های موردنظر، قابل‌قبول بودند و لذا از معادله خارج نشدند. برای بررسی روابط بین متغیرها ابتدا از روش ضریب همبستگی پیرسون و سپس جهت پیش‌بینی متغیرهای رفاه اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های مدیریت منابع وقف از رگرسیون چند متغیره گام‌به‌گام استفاده شد.

جدول ۴- نتایج آزمون پیرسون رابطه مؤلفه‌های مدیریت منابع وقف مجموعه گنجعلی‌خان و رفاه شهروندان کرمانی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	R پیرسون	معناداری	نوع رابطه	شدت رابطه
قابلیت‌های مدیریتی	رفاه عینی	۰/۵۱	۰/۱	مثبت	متوسط
قابلیت‌های مدیریتی	رفاه ذهنی	۰/۴۵	۰/۱۰	مثبت	متوسط
دانش تخصصی	رفاه عینی	۰/۴۹	۰/۱	مثبت	متوسط
دانش تخصصی	رفاه ذهنی	۰/۴۷	۰/۱	مثبت	متوسط
فهم از موقوفات	رفاه عینی	۰/۵۴	۰/۲	مثبت	متوسط
فهم از موقوفات	رفاه ذهنی	۰/۵۰	۰/۱۱	مثبت	متوسط
نوآوری سازمانی	رفاه عینی	۰/۳۲	۰/۳۴۵	-	-

نتایج آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون نشان داد تمامی مؤلفه‌های مدیریت منابع وقف به غیر از نوآوری سازمانی با رفاه عینی و ذهنی شهروندان کرمانی رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد (جدول ۴). جهت پیش‌بینی رفاه اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های مدیریت منابع وقف از رگرسیون چند متغیره با روش گام‌به‌گام استفاده شد (جدول ۵ و ۶).

جدول ۵- نتایج رگرسیون چند متغیره روابط متغیره‌ای رفاه عینی و مدیریت منابع وقف

Sig	T	Beta Adjusted	Std. Error	B	
۰/۱	۵/۴۸۰	-	۱۰/۴۶۵	۴۹/۹۴۵	مقدار ثابت
۰/۱	۳/۴۳۱	۰/۳۰۱	۰/۲۳۱	۰/۳۴۵	قابلیت مدیریتی
۰/۲	۳/۵۷۱	۰/۲۵۱	۰/۱۰۱	۰/۴۳۲	دانش تخصصی
۰/۱	۴/۸۹۰	۰/۳۷۸	۰/۲۵۰	۱/۲۱	درک از موقوفات

۰/۱	۳/۳۸۵	-۰/۲۹	۰/۵۹	-۱/۳	نوآوری سازمانی
۰/۱	۴/۴۴۴	-۰/۴۳۷	۰/۳۰۳	۰/۵۲۱	اولویت‌بخشی به نیازها
۰/۴	۵/۱۷۱	-۰/۲۰۴	۰/۹۸	۰/۲۶۱	قابلیت سازمانی
Adjusted R Square ۰/۳۴۶				R Square ۰/۳۸۶	R ۰/۴۹۲

جدول ۶- نتایج رگرسیون چند متغیره روابط متغیره‌ای رفاه ذهنی و مدیریت منابع وقف

Sig	T	Beta	Std. Error	B	
۰/۱	۴/۴۳۱	-	۱۰/۴۶۵	۴۱/۱۷۳	مقدار ثابت
۰/۱	۳/۲۰۱	-۰/۲۹۰	۰/۲۳۱	۰/۳۲۰	قابلیت مدیریتی
۰/۱	۳/۳۶۸	۰/۲۵۱	۰/۱۰۱	۰/۳۸۹	دانش تخصصی
۰/۱	۳/۶۷۲	-۰/۲۸۹	۰/۲۵۰	۰/۳۴۱	درک از موقوفات
۰/۱	۱/۸۵	-۰/۲۳۱	۰/۵۹	۰/۲۰۳	نوآوری سازمانی
۰/۱	۵/۴۰	-۰/۳۹۹	۰/۳۰۳	۰/۴۴۱	اولویت‌بخشی به نیازها
۰/۳	۴/۳۱۲	-۰/۱۶۹	۰/۹۸	۰/۲۱۳	قابلیت سازمانی
Adjusted R Square ۰/۳۰۱				R Square ۰/۳۵۶	R ۰/۴۱۰

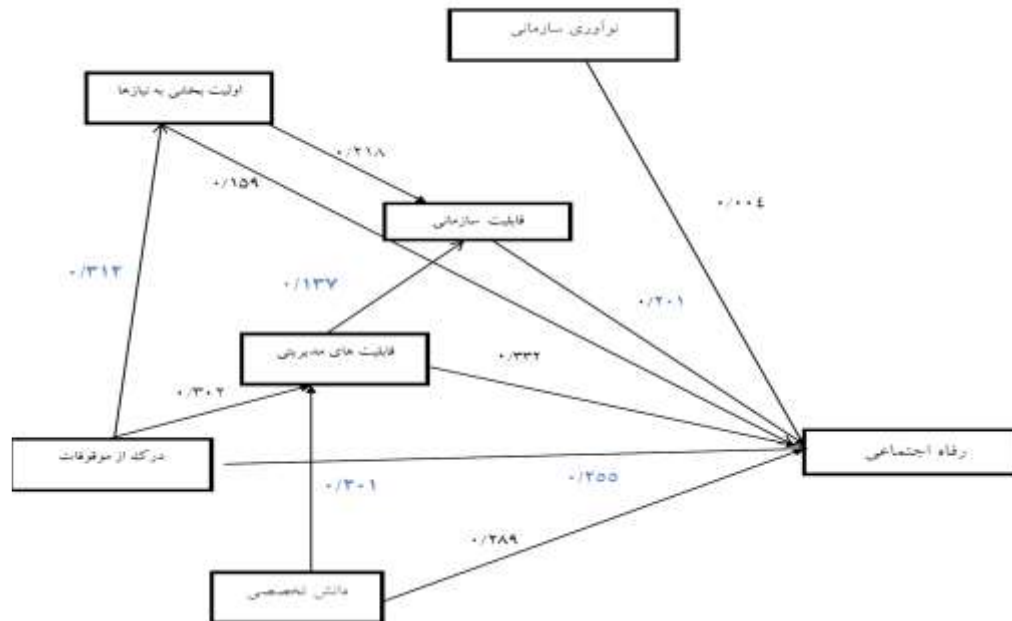
به‌منظور پیش‌بینی رفاه ذهنی بر اساس مؤلفه‌های مدیریت منابع وقفی نیز از روش رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شد. به این معنا ابتدا متغیر قابلیت سازمانی و در ادامه سایر متغیرها را وارد معادله شدند، مقدار تعدیل شده نشان می‌دهد که ۰/۳۰۱ از تغییرات رفاه ذهنی با مدیریت منابع وقف قابل تبیین است. در خصوص مقدار ضریب بتای استاندارد هر یک از متغیرها نیز بیشتر ضریب به اولویت‌بخشی به نیازها برمی‌گردد (Beta=0/399) کمترین مقدار به متغیر نوآوری سازمانی مربوط می‌شود که ۰/۲۳۱- است. این مقدار برای متغیر دانش تخصصی ۰/۲۵۱، درک از موقوفات ۰/۲۸۹ و در نهایت برای قابلیت سازمانی ۰/۱۶۹ است.

جدول ۷- نتایج رگرسیون چند متغیره روابط متغیره‌ای رفاه اجتماعی و مدیریت منابع وقف

Sig	t	Beta	Std. Error	B	
۰/۱	۳/۳۳۳	-	۱۱/۳۴۱	۴۲/۲۴۶	مقدار ثابت
۰/۱	۴/۱۲۳	۰/۳۳۲	۰/۱۹۸	۰/۳۳۸	قابلیت مدیریتی
۰/۱	۳/۸۹۰	۰/۲۸۹	۰/۲۳۱	۰/۴۲۳	دانش تخصصی
۰/۱	۴/۶۸۹	۰/۲۵۵	۰/۳۵۱	۰/۴۳۱	درک از موقوفات
۰/۱	۱/۲۴۶	۰/۴	۰/۱۴۹	۰/۳۳۱	نوآوری سازمانی
۰/۱	۵/۹۰۱	۰/۱۵۹	۰/۲۱۳	۰/۴۵۲	اولویت‌بخشی به نیازها
۰/۲	۴/۵۷۱	۰/۲۰۱	۰/۱۹۴	۰/۳۲۷	قابلیت سازمانی
Adjusted R Square ۰/۴۱۰				R Square ۰/۴۲۶	R ۰/۴۴۶

تحلیل رگرسیونی رفاه اجتماعی کل، نیز انجام گرفت. همچون متغیرهای رفاه ذهنی و رفاه عینی ابتدا متغیر قابلیت سازمانی و در ادامه سایر متغیرها را وارد معادله کردیم. مقدار تعدیل شده نشان می‌دهد که ۰/۴۱۰ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل قابل تبیین است. در خصوص مقدار ضرایب بتای استاندارد هر یک از متغیرها نیز بیشتر ضریب به اولویت‌بخشی به نیازها برمی‌گردد که ۰/۴۵۲ است. کمترین مقدار به متغیر نوآوری سازمانی مربوط می‌شود که ۰/۴ است.

این مقدار برای متغیر قابلیت مدیریتی ۰/۳۳۸، دانش تخصصی ۰/۴۲۳، درک از موقوفات ۰/۴۳۱ و در نهایت برای قابلیت سازمانی ۰/۳۲۷ است که مدیریت مطلوب منابع وقف می‌تواند نقش مهمی در راستای رفاه شهروندان کرمانی و در نتیجه کاهش فقر آنان داشته باشند.



شکل ۶- تأثیر مؤلفه‌های مدیریتی منابع وقفی مجموعه گنجعلی‌خان بر رفاه اجتماعی شهروندان کرمانی با رویکرد کاهش فقر

جدول ۸- ضرایب رگرسیونی مدل

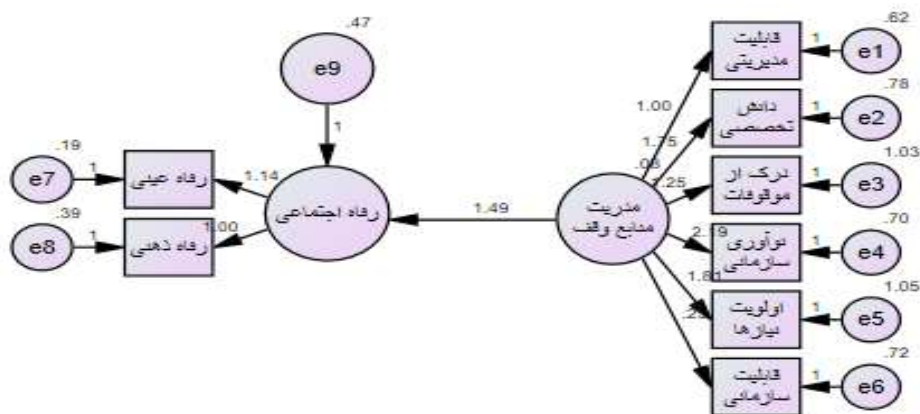
متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب رگرسیونی	خطای استاندارد	سطح معناداری
رفاه اجتماعی	مدیریت منابع وقف	۱/۲۶	۰/۲۷	۰/۱
	غیراستاندارد	۰/۵۱		

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد مدیریت منابع وقف بر رفاه اجتماعی شهروندان تأثیر مثبت دارد. برآزش کلی مدل اندازه‌گیری توسط تحلیل عامل تأییدی انجام می‌شود؛ در این مرحله به‌منظور تعیین درجه برآزش مدل تحقیق از شاخص‌هایی آماره کای دو (χ^2)، درجه آزادی^۱ (df)، نسبت کای دو به درجه آزادی (χ^2/df)، ریشه دوم میانگین مربعات خطای تقریبی (RMSEA)، شاخص (TLI)، شاخص برآزش نموی (IFI) و شاخص برآزش تطبیقی (CFI) استفاده می‌شود.

مقادیر کوچک‌تر کای دو نشان‌گر برآزش مدل است. همچنین بهتر است این شاخص با در نظر گرفتن درجه آزادی تفسیر شود. شاخص درجه آزادی مدل نباید کمتر از صفر باشد. هر قدر مقادیر شاخص‌های (TLI) (IFI) و (CFI) به یک نزدیک‌تر باشد برآزش مدل مناسب‌تر است. مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۹ برای این شاخص‌ها نشان‌دهنده سطوح قابل قبول برآزش مدل است. شاخص RMSEA بر اساس خطاهای مدل ساخته شده و همانند شاخص کای دو معیاری برای بد بودن مدل است. برخی از اندیشمندان بر این عقیده‌اند که این شاخص باید کمتر از ۰/۵ باشد. همچنین برخی دیگر میزان کمتر از ۰/۸ را مناسب می‌دانند. یکی از

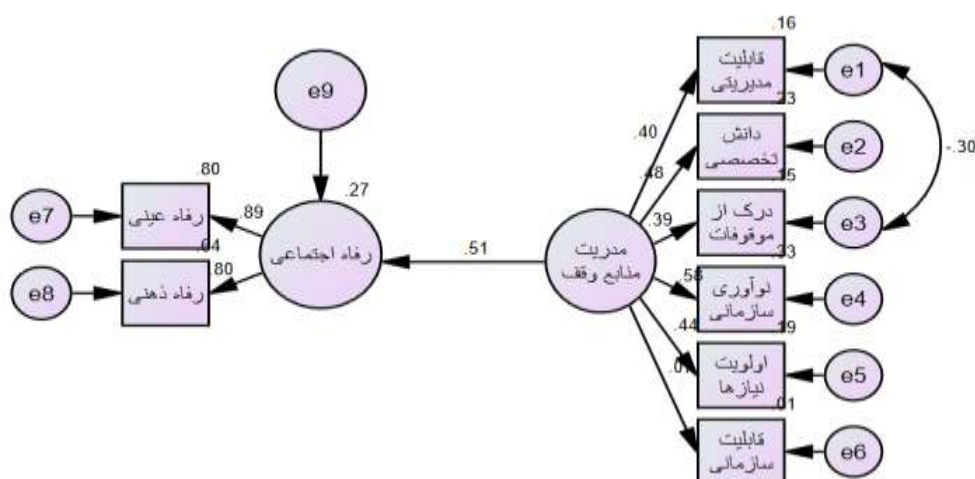
¹ Degree of Freedom

بهترین شاخص‌های بررسی نیکویی برازش مدل، نسبت کای دو به درجه آزادی (χ^2/df) است. بسیاری از اندیشمندان بر این عقیده‌اند که این شاخص باید کمتر از ۳ باشد. مدل معادلات ساختاری اولیه بین متغیرهای تحقیق در شکل (۷) ارائه شده است.



شکل ۷- مدل ساختاری متغیرهای تحقیق با ضرایب غیراستاندارد

مدل تحقیق حاوی ۳۶ گشتاور نمونه‌ای است. برای مدل تحقیق ۱۷ پارامتر باید برآورد شود؛ بنابراین مدل دارای ۱۹ درجه آزادی ($36-17=19$) است و درجه آزادی صفر نیست بنابراین مقدار آماره نیکویی برازش کای دو محاسبه می‌شود. آماره کای دو برای مدل تحقیق $46/23$ ($sig=0/1$) به دست آمد؛ اما از آنجا که سطح معناداری کای دو کمتر از $0/5$ هست مدل اولیه برازش نشده است و از شاخص‌های اصلاح مدل در نرم‌افزار AMOS برای اصلاح مدل استفاده می‌شود در ادامه مدل برازش یافته با یک اصلاح ارائه می‌شود.



شکل ۸- اصلاح مدل ساختاری متغیرهای تحقیق با ضرایب استاندارد

در مدل اصلاح شده آماره کای دو $19/72$ ($sig=0/346$) به دست آمد که با توجه به سطح معنی داری بالاتر از $0/5$ نشان دهنده برآزش مدل هست در ادامه سایر شاخص های برآزش مدل بررسی می شوند. مقدار نسبت کای دو به درجه آزادی $1/9$ به دست آمد، از آنجا که این مقدار کمتر از 3 هست نشان دهنده برآزش مدل هست. شاخص های ($CFI=0/99$ ، $IFI = 0/99$ ، $TLI = 0/99$) همگی بالای $0/9$ به دست آمدند که این شاخص ها نیز برآزش مدل را تأیید کردند. شاخص ($RMSEA = 0/1 < 0/8$) نیز تأیید کننده برآزش مدل تحقیق هست.

نتیجه گیری

از آثار مهم وقف، حفظ بناها و تعمیر مستمر آنهاست که محققان را با مصالح ساختمانی و سبک های معماری هر عصر آشنا می سازد و کارایی و عملکرد بناهای موقوفه چون بازار، مساجد، مدارس، قنات ها و کاروانسراها برای ما روشن می گرداند و حتی ابتکار منطقی و عقلایی بنیان و سازندگان آنها را به جامعه امروز معرفی می کند. در وقف نامه ها تعمیر بنا به منظور حفظ و پایداری آن، پیوسته در نظر گرفته شده و با صراحت در آن قید شده است که تا موقعی که مخارج احیای بنا وجود دارد، دیناری در جای دیگر خرج نشود. به گونه ای که بقای آثار باستانی فعلی، هویت خاصی به شهر بخشیده است آن را که مدیون وقف می دانیم شهرهایی که دارای موقوفات بیشتری هستند، در آن نوعی تعادل اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و دارد. پراکندگی جغرافیایی بناهای وقفی از یک نظام عقلایی و اقتصادی کاملاً تکامل یافته تبعیت می کند، به طوری که یک موقوفه با چند رقبه، مانند مسجد، مدرسه، کاروانسرا، بازار و حمام در جوار هم قرار دارند. مکان یابی آنها چنان نظم کالبدی و فضایی ارزنده ای را به فضاهای جغرافیایی می بخشد که توجه معماران و شهرسازی قرن بیستم را به خود جلب نموده است. در این راستا نتایج پژوهش حاضر نشان داد که $0/410$ از تغییرات واریانس رفاه شهروندان کرمانی با استفاده از مدیریت صواب منابع وقف قابل تبیین است. در میان مؤلفه های اصلی مورد پژوهش اولویت بخشی به نیازها $0/452$ رفاه شهروندان را پیش بینی می نماید. مؤلفه های قابلیت مدیریتی $0/338$ درصد، دانش تخصصی $0/423$ درصد درک از موقوفات $0/431$ درصد و در نهایت قابلیت سازمانی $0/327$ درصد از رفاه شهروندان کرمانی را تبیین می نمایند که منجر به کاهش فقر شهروندان خواهد شد توجه به قابلیت های سازمانی، درک موقوفات و داشتن دانش تخصصی لازم در راستای مدیریت بهینه منابع وقفی توسط مدیران سازمان اوقاف و امور خیریه استان کرمان می تواند به رفاه شهروندان و کاهش فقر کمک نماید. این نتایج با نتیجه پژوهش سید حسینی و همکاران (۱۳۹۲) و (کافس، ۲۰۰۵) همخوانی دارد.

بدون تردید رشد و توسعه وقف به نوع مدیریت آن وابسته است. مدیریت موقوفات در شیوه ساده سنتی بدین گونه بود که ابتدا توسط واقف و پس از فوت او به وسیله متولی که نام و مشخصات آن در وقف نامه قید شده است اداره می شود. در این شیوه، چنانچه شخصی برای تولیت و اداره موقوفه تعیین نشده باشد مدیریت موقوفه به عهده سازمان اوقاف و امور خیریه است. ویژگی های کلی این مدل برگرفته از مبانی و یافته های تحقیق است که به صورت کمی در بالا ارائه شده است و بیانگر نقش مهم مدیریت منابع وقف در ایجاد بستر سازی جهت عدالت اجتماعی و در نتیجه رفاه اجتماعی شهروندان و کاهش فقر است که در گرو مواد فوق است. در این راستا اثرات وقف در رفاه اجتماعی را همان گونه که کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) بیان می نمایند، می توان در سه فرایند تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری جامعه ذکر نمود که زیربنای عدالت اجتماعی و اقتصادی جامعه را تشکیل می دهند. وقف می تواند به اهداف اقتصادی دولت های جدید کمک فراوانی کند.

در این خصوص باید گفت که موقوفات گنجعلی‌خان در کرمان نمونه‌های بارز و موفق در ارائه و اثبات الگوهای رفاهی مطرح‌شده می‌باشند که در راستای مدیریت صواب می‌تواند آثار مطلوبی برای شهروندان به همراه داشته باشد. وی همه موقوفات خود را در جهت آبادانی کرمان و حفظ این‌همه مجموعه ایجاد نمود که در نتیجه باعث گسترش و آبادانی شهر کرمان و بهره‌مندی همه اقشار جامعه از خدمات اجتماعی شد. این نوع وقف باعث ایجاد بناهای عام‌المنفعه نیز گردید و نیازمندان و محرومان جامعه را با امکان همزیستی مسالمت‌آمیز در محیطی مملو از دوستی و اخوت، قرار داد و زمینه پیشرفت جامعه را فراهم ساخت.

در اینجا، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، دین و اجتماع باهم در تعامل هستند و توسط نیروی انسانی که در مدیریت متجلی می‌شود باهم آمیختگی ناگسستگی دارند و می‌تواند باعث بهبود رفاه شهروندان و در نتیجه کاهش فقر گردد. در واقع، در این الگو وقف از نهادی رسمی به نهادی رسمی-غیررسمی مبدل می‌شود که راهی برای «اجتماعی زیستن» موقوفات در پرتو عبور از مدیریت خطی به سوی مدیریت انعطاف‌پذیر است که: اولاً؛ منجر به تعدیل نگاه صرفاً دینی و واپس‌گرایانه به موقوفات می‌شود و انطباق‌پذیری نهادی را در رأس امور قرار می‌دهد؛ دوم؛ در قلب موقوفات بحث «یادگیری و استفاده از دانش روز و تخصصی» وجود دارد؛ سوم؛ بازارمحور و تجاری است که این امکان را فراهم می‌سازد موقوفات از رکود خارج‌شده و اتکالی کمتری به منابع دولتی داشته باشند؛ چهارم؛ همگرایی سازمانی را به مثابه امری حساس مورد توجه قرار می‌دهد که در پرتو آن شبکه‌سازی دائم اجازه می‌دهد که اجتماعی شدن موقوفات تسهیل شود و موازی کاری نهادی درونی پس رانده می‌شود، سرمایه اجتماعی برونی امکان ارزیابی-عملکرد موقوفات را فراهم می‌سازد؛ درنهایت، انطباق‌پذیری نهادی موقوفات این امکان را برای سیاست‌گذار ایجاد می‌کند که از گسست زمانی موجود در موقوفات عبور کرده و از طریق اولویت‌بخشی متوازن به نیازها در خدمت رفاه اجتماعی شهروندان و در نتیجه کاهش فقر منجر شود.

پیشنهادهای

در راستای نتایج پژوهش، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

- گسترش نظارت عمومی به‌عنوان بازوی حمایتی موقوفات می‌تواند در تسهیل کارکردی موقوفات نقش بسزایی داشته باشد. این امر به دو طریق ممکن است: ۱- انتخاب افرادی از معتمدین در هیئت امنای موقوفات و ۲- ایجاد کمیته‌های از افراد محلی به‌منظور نظارت بر موقوفات در راستای اهداف طراحی‌شده.
- آموزش به واقفان به‌منظور تغییر نیت آن‌ها در وقف ملک و مال خود. در موارد زیادی نیازهای روز با نیت واقفان متفاوت است. واقفان ملک و مال خود را به نحوی نیت می‌کنند که کمتر در راستای رفاه اجتماعی شهروندان قرار می‌گیرد؛ بنابراین، لازم است با آموزش و بسته‌های دانشی آن‌ها را راستای بهره‌وری بیشتر هدایت کرد.
- ایجاد زمینه بازدید دانش‌آموزان و دانشجویان از مراکز درمانی، علمی، فرهنگی و آموزشی موقوفه به‌منظور آشنا ساختن آن‌ها با اهمیت وقف در رفع مشکلات و توسعه رفاه اجتماعی. آنچه تصور می‌شود این است که موقوفات بیشتر به‌عنوان اماکنی فرهنگی و دینی تصور می‌شوند که منحصر به کارکردهای خاصی است. این امر می‌تواند با بازشناسی مثبت موقوفات در ذهن دانش‌آموزان و دانشجویان نقش اجتماعی و اقتصادی موقوفات در خدمت توسعه اجتماعی شهروندان قرار بگیرد.

- توجه به انسجام و همبستگی اجتماعی در بین مردم مهم است. این امر از طریق تبلیغات و رسانه ممکن است. زمانی که شالوده‌های انسجام تضعیف شود و فردگرایی نضج گیرد، فرهنگ وقف که امری در خدمت اجتماع است، کمرنگ می‌شود و سود محوری و انگیزه نفع شخصی مانع رشد وقف می‌شود.

References:

- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد (۱۳۸۰). *نقش وقف در بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی*. فصلنامه وقف میراث جاویدان. دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۷۰-۷۷.
- اهلرز، اکارت (۱۳۷۴). *موقوفات دینی و شهر تشرق اسلامی*. ترجمه مصطفی مؤمنی و محمدحسن ضیاء توانا، فصلنامه وقف میراث جاویدان، نشر سازمان اوقاف و امور خیریه، شماره ۱۰.
- اورشات، ویم‌فون؛ اپیلکا، مایکل؛ بریگیت، فوالفینگر (۱۳۹۶). *فرهنگ و دولت رفاه*. ترجمه ابوذر قاسمی نژاد، با همکاری محمدعلی ایرانمنش، تهران: موسسه پژوهش تأمین اجتماعی.
- بارگاهی، حسین؛ کبیری، نرگس (۱۳۹۴). *رفاه ذهنی و تأثیر اعتماد اجتماعی بر آن (مطالعه موردی جوانان ساکن شهر تهران)*.
- جمعی از اساتید مدیریت (۱۳۷۸). *بهره‌وری در مدیریت*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- دانایی‌فر، حسن؛ امامی، مجتبی (۱۳۸۶). *استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه داده بنیاد*. اندیشه مدیریت، دوره ۱، شماره ۲، صص ۶۹-۹۷.
- دلاور، علی (۱۳۸۸). *روش‌شناسی کیفی*. راهبرد پژوهش، دوره ۱۹، شماره ۵۴.
- روشه، گی (۱۳۸۹). *کنش اجتماعی*. هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریاحی، نادر (۱۳۸۷). *تحول نهاد وقف*. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی. جلد سوم، تهران، انتشارات اسوه، صص ۳۶۹-۴۱۲.
- زارعی، محمدابراهیم؛ حیدری بابا کمال، یدالله (۱۳۹۸). *بررسی نقش وقف در توسعه و رشد فضاهای شهری در دوره قاجار*. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۳، صص ۱۶۹-۱۸۸.
- سورین، ورنرو تانکارد، جیمز (۱۳۸۶). *نظریه‌های ارتباطات*. علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیدجوادین، سیدرضا؛ فراحی، محمد مهدی (۱۳۹۲). *اثربخش‌ترین اقدامات مدیریت منابع انسانی در سازمان‌های موفق*. فصلنامه مدرس علوم انسانی (پژوهش‌های مدیریت در ایران)، دوره ۱۶، شماره ۱.
- سیدحسینی، سید محمد؛ سالاری، تقی؛ خراسانی، مظلوم (۱۳۹۲). *بهبود روش‌های مدیریت در سازمان اوقاف و اثر آن در افزایش بهره‌وری در حوزه وقف*. دو فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۰۵.
- عمید، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ عمید*. تهران: نشر امیرکبیر.

- جایبان، فیروز؛ دهقان، حداد (۲۰۱۵). *ارتباط و تأثیر کیفیت زندگی عینی بر کیفیت زندگی ذهنی (مطالعه‌ی موردی؛ شهر آمل، استان مازندران)*. مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۵۷-۱۸۴.
- قنبری نیک، سیف‌الله (۱۳۸۸). *آثار و پیامدهای اجتماعی وقف در استان قم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، استاد راهنما، جعفر هزارجریبی.
- کلانتری، حسین؛ صالحی، احمد؛ رستمی، قهرمان (۱۳۸۹). *نقش تاریخی وقف در تسکین‌گیری شهر اسلامی*. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۱، صص ۳۳-۴۳.
- محمدی‌پور، فاطمه؛ صحرایی بیرانوند، مهدی؛ بیرانوند، شبنم؛ بیرانوند، شکوفه (۱۳۹۷). *بررسی رابطه رفاه ذهنی پرستاران و رضایت بیماران با نقش میانجی فرسودگی شغلی*.
- مرتضوی کاخکی، مرتضی؛ یزدی، حجت‌اله (۱۳۸۷). *وقف پشتوانه نهادهای علمی در احیای تمدن اسلامی*. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد سوم، تهران، اسوه، صص ۱۶۹-۱۹۰.
- مطبعه‌چی، مصطفی (۱۳۸۷). *جایگاه وقف در تحولات جامعه ایران: دوره قاجاریه*. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد سوم، تهران، اسوه، صص ۶۵۲-۶۷۶.
- مهدوی، محمدصادق؛ شریفی، منصور (۱۳۸۶). *تأملی بر اختلاف پارادایمی روش‌های کمی و کیفی در علوم اجتماعی*. پژوهشنامه علوم انسانی، ۵۳، صص ۳۸۷-۴۱۶.
- هزارجریبی‌دستکی، جعفر؛ صفری‌شالی، رضا (۱۳۹۰). *رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)*. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۵.
- هالس، فایانا؛ همفری، جان (۱۳۷۶). *بهبود بهره‌وری و فواید آن*. ترجمه هور دخت‌دانش و سهراب خلیلی‌شورینی، تهران: نشر فیروزه.

Abdul-Karim, S (2010). *Contemporary shari'ah structuring for the development and management of waqf assets in Singapore (Doctoral dissertation, Durham University)*.

Ahmad, H (2004). *role of zakat and Awqaf in poverty alleviation, islamic development bank*. islamic research & training institute.

Al-bahussin, S., El, G (2013). *The Impact of Human Resource Management Practices, Organisational Culture, Organisational Innovation and Knowledge Management on Organisational Performance in Large Saudi Organisations: Structural Equation Modeling With Conceptual Framework*. International Journal of Business and Management, 8(22), pp. 1-19.

Isa, Z.M., Ali, N., Harun, R (2011). *A Comparative Study of Waqf Management in Malaysia, International Conference on Sociality and Economics Development*, IPEDR vol.۱۰, IACSIT Press, Singapore, pp. 561-565.

Axtmann, R (2004). *The state of the state: The model of the modern state & its contemporary transformation*. International Political Science Review 25, pp. 259-279.

- Bäckström, A. Davie, G. Edgardh, N., Pettersson, P (2010). *Welfare & religion in 21 st century Europe*. Volume 1, Configuring the connections. Burlington, VT: Ashgate.
- Bak. M (2004). *Can Developmental Social Welfare Change an Unfair World? The South African Experience*. International Social Work. 47, p. 81.
- Bannet. F (2004). *Development of social Security. Social Policy Review*. University of Bristol. Great Britain: The Policy Press.
- Birnbaum, R (2003). *How colleges work: the cybernetics of academic organization and leadership. (H. Arasteh, Trans)*. Tehran: Institute for Research and planning in Higher Education. (In Persian).
- Coffin, B (2000). *Where religion & public values meet: Who will contest?* In M. Bane, B. Coffin, R. Thiemann (Eds.), *Who will provide? The changing role of religion in American social welfare*. Boulder, CO: Westview Press.
- Creswell, J.W (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating*. Quantitative and Qualitative Research (2nd edition).
- Edgardh, N (2004). *Welfare, church & gender in eight European countries*. Working paper 1, from the project Welfare & religion in a European perspective. Uppsala: Institute for Diaconal & Social Studies, Edinburgh University Press.
- Glaser, B.G., Strauss, A.L (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine Pub. Co.
- Haneef, M.A., Pramanik, A.H., Mohammed, M.O., Bin Amin, M.F., Muhammad, A.D (2015). *Integration of waqf-Islamic microfinance model for poverty reduction: The case of Bangladesh*. International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, 8(2), pp, 246-270.
- Hasan, K (2010). *An integrated poverty alleviation model combining Zakat, Awqaf and Microfinance*. 7th International Conference – The Tawhidi Epistemology: Zakat and Waqf Economy, Bangi 2010, University of New Orleans, New Orleans, LA.
- Hashim, H., Mazlan, A.R., Abu Bakar, A (2013). *The structuring for development and management Waqf properties in Malaysia*. Journal of Human Development and Communication (JoHDEC), 2, pp. 45-59.
- Heyneman, S.P (2004). *Islam and social policy*, Vanderbilt University Press.
- Krafess, J (2005). *The influence of the Muslim religion in humanitarian aid*, International Review of the Red Cross, Vol. 87 No. 858, pp. 327-342.
- Lipset, S (1996). *American exceptionalism: A double-edged sword*. NY: W.W. Norton.
- Makdisi, G (1981). *The Law of Waqf.” In The Rise of Colleges: Institutions of Learning in Islam and the West*. by George Makdisi, pp. 35-74.
- Mohd Thas Thaker, M.A., B. Mohammed, M.O., Duasa, J., Abdullah, M.A (2016). *Developing cash waqf model as an alternative source of financing for micro enterprises in Malaysia*. Journal of Islamic Accounting and Business Research, 7(4), pp. 254-267.
- Morgan, K (2006). *Working mothers & the welfare state: Religion & the politics of work-family in Western Europe & the United States*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.

- Saleem Muhammad, Y (2010). *Towards Institutional Mutawallis for the Management of Waqf Properties*. Islamic Economics & Finance Pedia (<http://www.iefpedia.com>), pp. 1-12.
- Sami, H (2006). *Muslim Philanthropy and Social Security: Prospects, Practices, and Pitfalls*. University of Technology, Sydney A paper presented at the 6 th ISTR Biennial Conference held in Bangkok, pp. 9-12 .
- Shaikh, S.A., Ismail, A.G., Mohd Shafiai, M.H (2017). *Application of waqf for social and development finance*. ISRA International Journal of Islamic Finance, 9(1), pp. 5-14.
- Weber, M (1956). *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*. London, Unwin.
- Yumna, A., Clarke, M (2011). *Integrating zakat and Islamic charities with microfinance initiative in the purpose of poverty alleviation in Indonesia*. International Conference on Islamic Economics and Finance, Center for Islamic Economics and Finance, Qatar Faculty of Islamic Studies, Qatar Foundation.
- Yusuf. A.S (2008). *Social Capital and Household Welfare in Kwara State*. Nigeria. J. Hum. Ecol. 23.